

# تفسیر آیات ربا از منظر مفسران فریقین

محمد حفیظ معنوی<sup>۱</sup>

## چکیده

ربا یکی از گناهان کبیره در دین اسلام است. این تحقیق ماهیت ربا را از منظر مفسران فریقین مورد بررسی قرار داده است. فرضیه این تحقیق بر این اصل استوار است که مفسران فریقین بر اساس آیات به حرمت ربا رأی داده‌اند. این تحقیق به لحاظ هدف کاربردی، به لحاظ ماهیت توصیفی-تحلیلی، به لحاظ نوع داده‌ها کیفی و به لحاظ روش جمع‌آوری داده‌ها، اسنادی و کتابخانه‌ای است. نگارنده کوشیده است تا با توجه به آیات قرآن کریم و نظریات مفسران فریقین، علل و عوامل تحریم ربا را کشف و استخراج نماید و به نتایج ذیل دست یافته است:

۱. در مورد تحریم ربا دو دیدگاه وجود دارد؛ دیدگاه که حرمت ربا را به یک‌بارگی می‌داند و دیدگاهی که به صورت تدریجی مطرح می‌کند. در میان طرفداران دیدگاه تدریجی بر اساس یک دیدگاه ربا در سه مرحله تحریم شده است؛ مرحله اول کراهیت، مرحله دوم تحریم تلویحی و مرحله سوم تصریح به حرمت است.

۲. بر اساس دیدگاهی دیگر ربا در چهار مرحله تحریم شده است؛ اول ابراز تنفر و انزجار، دوم تحریم تلویحی، سوم تحریم به صورت جزئی و چهارم تحریم به صورت کلی و قطعی.

۳. عوامل و علل حرمت ربا مبارزه با ظلم، ترویج کارهای نیک و جلوگیری از رکود، ضرر اخلاقی، روانی، اجتماعی و اقتصادی است.

واژگان کلیدی: ربا، آیات ربا، تفسیر آیات ربا، ربا از منظر مفسران اهل سنت، ربا از منظر مفسران شیعه.

۱. ماستری، تفسیر و علوم قرآن، دانشگاه بین‌المللی المصطفی (ص) افغانستان، کابل

## مقدمه

دین مقدس اسلام مسلمانان را به خوردن چیزهای پاکیزه و حلال و به اعمال و کرداری که جنبه‌های مثبت و مفید دارد، امر می‌کند و از خوردنی‌های حرام، افعال زشت و قبیح و چیزهای که حیثیت انسان را پایمال می‌سازد و فضای جامعه را آلوده و مکدر می‌گرداند، منع می‌نماید. اسلام تمام چیزهای را که تحریم کرده حتماً در حرمت آن‌ها یا کراهیت طبیعی و یا ضررهای جسمانی، معنوی و اخلاقی نهفته است. اسلام هیچ‌گاه چیزهای پاکیزه و مفید را که برای استفاده بشر آفریده شده است، تحریم نمی‌کند.

با این همه، اسلام در رابطه با تحریم ربا توجه زیادی نشان داده است. از همین رو، کتاب‌ها، مقاله‌ها، بروشورها و روزنامه‌های اخلاقی و ادبی پرشماری در این رابطه به نشر رسیده است. اما به نظر مفسرین فریقین در مورد پیشینه تاریخی ربا که بسیار مهم و ارزنده می‌نماید تاکنون کارهای چشم‌گیری صورت نگرفته است؛ بنابراین، ضرورت دارد که در مورد به پژوهش پرداخته شود. در این تحقیق تلاش شده است که به پرسشهای زیر پاسخ داده شود:

- بر اساس آموزه‌های قرآنی علل و عواملی تحریم ربا چه است؟
- احکام ربا از منظر مفسران فریقین کدام است؟
- راهکارهای جلوگیری از ربا کدام است؟

این تحقیق از سه بخش شکل شده است. بخش اول به تعریف ربا پرداخته می‌شود. در بخش دوم، احکام ربا از منظر مفسران فریقین را مورد بررسی قرار می‌دهیم و در بخش سوم نتیجه‌گیری نهایی صورت می‌گیرد و در نهایت پیشنهادهایی برای کم شدن ربا در مبادلات اقتصادی در افغانستان بازگو خواهد شد.

## ۱. ربا

واژه ربا (معین ۱۳۸۰، ۱۷۳۴) در زبان فارسی، به معنای بیشی، افزون شدن، نشو و نما کرد؛ سود یا ربی که دائن از مدیون می‌ستاند و نسیه خریدن و فروز گرفتن آمده است (دهخدا، ۱۳۷۵، ۲۳۶).

علماء در رابطه با ربا تعاریف مختلفی نموده‌اند که قرار ذیل است:

۱. راغب اصفهانی ربا را این گونه تعریف کرده است: «الربا زیادة على رأس المال لكن خص فی الشرع بالزیادة على وجه دون وجه» (اصفهانی، ۱۳۶۱)؛ ربا در اصل زیادی به اصل مال است ولی از نظر شرع زیادی خاص را ربا می گویند.
۲. مرحوم طبری نیز ربا را این گونه تعریف نموده است: «رباء زیادی بر چیزی است و ربا یعنی زیاده، رباء شیء، در جای کار می رود که چیزی بر آنچه بوده اضافه شود؛ در آن چیز بزرگتر شود (طبری، ۱۳۷۳، ۱۳۹).
۳. صاحب جواهر در تعریف ربا گفته است: «لیس المراد من الربا مطلق الزیادة كما هو معناه لغة بل المراد به كما فی المالك و غیرها یبع احد المتماثلین او اقتراض احدهما زیاده» (نجفی، ۱۳۶۵، ۳۳۴). ابن عربی در احکام القرآن، ربا را چنین تعریف نموده: «الربا فی اللغة الزیادة والمرادة فی الآية كل زیاده یقابلها» (انصاری، ۱۳۵۵، ۱۰۱).
۴. اما جصاص در تعریف ربا گفته است: «هو القرض المشروط فیهِ زیادة مال على المستقرض» (بی نام، ۶۶۱)؛ یعنی ربا همان قرضی است که تا موعد مقرر به آن شرط شود که قرض گیرنده از اصل مال مبلغ بیشتری ادا بکند. رسول خدا رباء را در حدیثی چنین تعریف نموده است: «كل قرض جر نفعاً وهو رباء»؛ هر قرضی که نفعی برای قرض دهنده در پی داشته باشد ربا است.

## ۱-۱. کاربرد واژه ربا در قرآن

واژه «ربا» در قرآن کریم نیز به کار رفته و از ماده «رَبَّ» است. عرب ها هنگامی که چیزی زیاد می شود و رشد می کند، می گویند: «ربا الشیء» به همین دلیل، زمانی که مال افزون می گردد، گفته می شود: «ربا المال». این تعبیر هنگامی که پهلوهایی اسب که از دویدن بسیار آماس می کند، نیز به کار می رود: «ربا الفرس» و به بلندی ها و برجستگی های که بر روی زمین مشاهده می شود، نیز «ربوة» می گویند (ابن منظور، ۱۳۶۰). در قرآن، مشتقات واژه «ربا» به معنای فزون شدن و بالا آمدن آمده است: «فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَ رَبَّتْ» (حج، ۵)؛ و چون آب را فرو فرستادیم، زمین جنبش گرفت و به سبب رشد گیاهان بالا آمد.

«یمحق الله الربا و یربی الصدقات والله لایحب كل كفار اثیم» (بقره، ۲۷۶)؛ خداوند ربا را از

بین می‌برد و صدقات را می‌افزاید. «فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا» (رعد، ۱۷)؛ سیل، کفی را بر بالای سر خود برداشت. «فَأَخَذَهُمُ أَخْذَةً رَابِيَةً» (حاقه، ۱۰)؛ عذاب خدا آنان را با سختی بسیار زیاد فرو گرفت. «أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَى مِنْ أُمَّةٍ» (نحل، ۹۲)؛ به گمان این که امتی از امت دیگر (از جهت تعداد نفرات و میزان اموال) افزون‌ترند. «وَآوَيْنَاهُمَا إِلَى رَبْوَةٍ» (مومنون، ۵۰)؛ آن‌ها را در زمینی بلند جای دادیم. در قرآن، کلمه «ربا» به معنای فزون شدن مال از سرمایه اولیه است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ. فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوَالِكُمْ» (مومنون، ۲۷۸ و ۲۷۹)؛ آنچه را از ربا باقی مانده است، رها کنید. اگر چنین نمی‌کنید، بدانید به جنگ با خدا و فرستاده وی بر خاسته‌اید. اگر توبه کنید (اصل) سرمایه‌های شما از آن شما است.

## ۲. احکام ربا از منظر مفسران فریقین

### ۲-۱. حرمت اقسام ربا

مفسرین ربا را به دو نوع ربای معاملی و قرضی تقسیم و این‌گونه تعریف کرده‌اند: ربای معاملی فروش یکی از دو هم‌جنس به دیگری همراه با زیاده عینی است؛ مانند فروش یک کیلو گندم به دو کیلو یا فروش یک کیلو گندم به یک کیلو و یک افغانی. زیاده در ربای معاملی ممکن است حکمی باشد؛ مانند فروش یک کیلو گندم به صورت نقد به یک کیلو گندم به صورت نسیه. اقوی این است که این ربا مختص به بیع نیست، بلکه در سایر معاملات مثل صلح و نظیر آن نیز جاری است. اما ربای قرضی آن است که ۱۰ دینار به کسی قرض دهند، مشروط بر این که به هنگام سررسید ۱۲ دینار بازگرداند؛ یا اینکه ۱۰ دینار برگرداند و یک لباس را برای قرض‌دهنده، بدوزد. شواهدی در آیات ربا موجود است که همگی دال بر حرمت ربا به همه انواع آن است و تفاوتی میان ربا در قرض مصرفی و تولیدی نیست. این شواهد عبارتند از:

۱. تحریم ربا در امت‌های پیشین: امری که مفسده دارد، یعنی اینکه نمی‌شود ربا به مرور زمان مفسده خود را از دست بدهد و واجد مصلحت شود.
۲. ظهور فعل نهی «لَا تَأْكُلُوا» در حرمت.
۳. اطلاق و عمومی «الربا» اطلاق و عمومی الربا همه اجناس و اصناف ربا را شامل می‌شود.

ممکن است کسی بگوید اَضْعَافًا مُضَاعَفَةً قید حکم «لاتأكلوا» است و بنابراین بیانگر این است که ربای اضعاف مضاعفه حرام است نه هر ربا. در جواب به این اشکال باید گفت آیه «حرم الربا»، بعد از اَضْعَافًا مُضَاعَفَةً نازل شده و نمی‌شود آیه قبلی که مقید است آیه بعدی را که مطلق است قید بزنند. وانگهی پیش از این گذشت که اضعاف مضاعفه ویژگی عمومی همه رباهاست. پاسخ به این اشکال که برگرفته از سنت بوده که پیامبر مقدار کمی از ربا را همانند بسیار آن دانستند (صابونی، ۱۳۵۸، ۳۹۰).

۴. شیطانی بودن عمل رباخواری: «يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ» (بقره، ۲۷۵) و پیداست که عمل شیطانی، عمل رحمانی نیست. چنانکه خداوند در سوره مائده آیه ۹۰ حرمت شراب را چنین اعلام فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (مائده، ۹۰)؛ ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! می‌خوارگی و قماربازی و بتان و تیرها و سایر وسایل شرط‌بندی، پلید و کار شیطان است، پس از پلیدی دوری کنید تا اینکه رستگار شوید.

۵. ظلم بودن رباخواری و حرمت ظلم؛ ربا خواری چه در سطح خرد و چه در سطح کلان، چه در ربای معاملی و چه در ربای قرضی، چه در قرض مصرفی و چه در قرض تجاری ظلم و حرام است. ولی در ربای مصرفی ممکن است ظلم بیشتر باشد و در ربای تجاری ظلم کمتر. بیشتر و یا کمتر بودن ظلم، ملاکی برای حرمت یکی و حلّیت دیگری نمی‌تواند باشد. به هر حال نتیجه ربا این است که باعث می‌شود پولدار، پولدارتر شود و مال در دست اغنیاء دست به دست شود (سید قطب، ۱۳۵۹، ۷۵).

۶. جنگ با خدا و رسول (ص): وقتی که رباخواری جنگ با خدا و رسول محسوب می‌شود، نمی‌توان گفت چون در بعضی از انواع ربا جنگ با خدا و رسول گسترده و ادامه‌دار نیست پس آن جنگ و آن ربا مشروع است.

۷. محق خوانده شدن ربا از سوی خدا: محق یعنی نقصان تدریجی؛ نقصان تدریجی هم شامل نقصان مادی است که کم شدن و از بین رفتن مال رباخوار باشد و هم نقصان معنوی که از بین رفتن دین و عبادت‌ها در اثر رباخواری در آخرت باشد. این محق به‌ضمیمه شواهد دیگر دلیلی بر حرمت انواع ربا محسوب می‌شود (چرخابی، ۱۳۸۸، ۱۹۸).

## ۲-۲. سیر تحریم ربا

بجاست که در این بخش به بیان ادوار تحریم ربا پردازیم تا راز تشریع اسلامی در معالجه امراض اجتماعی را دریابیم، زیرا پرواضح است تشریع که اسلامی، در بیان احکام، مطابق سنت تدریج، طی طریق کرده است. تحریم ربا هم به مانند تحریم خمر و بر طبق سنت تدریج، طی چهار مرحله صورت گرفته است:

مرحله اول: در این مرحله خدای متعال این آیه را نازل فرمود:

«وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبًّا لِيَرْبُؤَا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُؤُوا عِنْدَ اللَّهِ وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْغَفُونَ»؛ (روم، آیه ۳۹)؛ آنچه به عنوان ربا می پردازید تا در اموال مردم فزونی یابد، نزد خدا فزونی نخواهد یافت؛ و آنچه را به عنوان زکات می پردازید و تنها رضای خدا را می طلبید (مایه برکت است؛ و) کسانی که چنین می کنند دارای پاداش مضاعف اند. این آیه کریمه در مکه نازل شد و آن چنان که معلوم است، در آن به تحریم ربا اشاره ای وجود ندارد؛ بلکه تنها به تنفر و انزجار خداوند از ربا اشاره می کند و بیان می دارد که ربا نزد خداوند ثوابی برخوردار نیست. پس این یک موعظه سلبی است.

مرحله دوم: در این مرحله خداوند این آیه زیر را نازل فرمود:

«فَبِظُلْمٍ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَ بَصَدَّاهُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا وَ أَخَذِهِمُ الرَّبُّوَ وَ قَدْ نُهَوُّ عَنْهُ وَ أَكَلِهِمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَ أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» (نساء، ۱۶۰)؛ به خاطر ظلم و ستمی که یهودیان انجام دادند به خصوص به سبب این که بسیاری (از مردم) را از راه خدا بازداشتند، (برای تنبیه ایشان) چیزهای پاکیزه را که بر آنان حلال بود، حرام کردیم و نیز به خاطر آن که ربا می گرفتند، در حالی که از آن نهی شده بودند. این آیه در مدینه نازل شد و این درسی است که خداوند از سیره و روش یهودیان برای ما حکایت کرده است، کسانی که او ربا را بر آن ها حرام کرد، اما آن ها باز هم آن را خوردند و به خاطر آن هم مستحق لعنت و خشم الهی شدند و این، تحریم تلویحی ربا است نه تحریم صریح آن؛ زیرا به نقل جرائم یهودیان پرداخته شده و در آن چیزی وجود ندارد که به صورت قطعی بر تحریم ربا بر مسلمانان دلالت کند. این مرحله، شبیه به مرحله دوم تحریم خمر است «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَ مَنَافِعُ لِلنَّاسِ» (النساء، ۱۶۱)؛ در باره شراب و قمار از تو سؤال می کنند، بگو: در آن ها گناه بزرگی است

و منافعی هم برای مردم در بردارند. در این آیه به صورت تلویحی خمر حرام شد، نه به صراحت. مرحله سوم: در این مرحله خدای متعال این آیه را نازل فرمود:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران، ۱۳۰)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! ربا را دوچندان و دو برابر نخورید. آیه به صورت صریح اما جزئی، ربا را حرام کرده است، زیرا فقط نوعی از ربا را که ربا جزئی نامیده می‌شود، تحریم کرده است و ربای فاحش، ربایی است که به حدّ اعلای آشکاری و قبح و به نهایت گناه‌کاری و جرم رسیده است؛ زیرا در این نوع ربا، بدهی زیاد شده، چندین برابر می‌گردد و بدهکار از پرداخت آن عاجز می‌شود؛ بدهکاری که به خاطر نیاز و ضرورت، آن مال را به قرض گرفته است. این مرحله، شبیه به تحریم خمر در مرحله سوم آن است، زمانی که در آن خمر به صورت جزئی و نه کلی و فقط در اوقات نماز تحریم شد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ» (نساء، ۴۳)، ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حالی که مست هستید، به نماز نایستید تا آنگاه که می‌دانید چه می‌گویید.

مرحله چهارم: در این مرحله، ربا به صورت کلی و قطعی تحریم شد. مرحله‌ای که قرآن میان کم و زیاد آن تفاوتی نگذاشت و حکمی است که با آن تشریع آسمانی در مورد حکم ربا با آن پایان یافته است. در این مرحله خدای متعال این آیه را نازل فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (بقره، ۲۷۹). این آیات کریمه که مرحله نهایی تحریم ربا هستند، شبیه مرحله پایانی تحریم خمر می‌باشند، چه در آن مرحله، خمر به صورت مؤکد و قطعی تحریم شد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (مائده، ۹۰)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! می‌خوارگی و قماربازی و بتان و تیرها (و سایر وسایل شرط بندی)، پلید و کار شیطان است، پس از پلید، دوری کنید تا این که رستگار شوید. با این بیان، راز تشریع اسلامی در معالجه امراض اجتماعی که در میان اهل جاهلیت جریان داشت، روشن می‌شود و واضح می‌گردد که شریعت، مطابق سنت تدریج و تدرج با آن‌ها برخورد کرده است (چرخبانی، ۱۳۸۸، ۱۸۶).

## ۲-۳. کیفیت تشریح حرمت ربا در قرآن

در مسئله تحریم ربا، بین محققان دو مسلک وجود دارد؛ برخی معتقدند که هنگام ظهور اسلام، رباخواری در جزیره العرب چنان گسترده بود که امکان تحریم یک‌دفعه آن وجود نداشت. از این رو، خداوند با فرستادن آیات مختلف در آغاز بعثت، ربا را مورد نکوهش قرار داد و به تدریج، زمینه تحریم آن را فراهم نمود. نظریه تدریجی بودن تحریم ربا را نخست استاد اسماعیل «خلیل» در سال ۱۳۲۶ قمری، ضمن سلسله درس‌های که در قاهره داشت، بیان نمود. سپس دوکتور محمد عبدالله درّ، آن را در کنفرانسی که در سال ۱۹۵۱ میلادی، در پاریس تشکیل شده بود، مطرح ساخت و در کتاب «الربا فی نظر القانون الاسلامی»، منتشر کرد. پس از وی، دانشوران زیادی به تبعیت از او یا با تحقیق مستقل این نظریه را پذیرفتند (صابونی، ۱۳۵۸، ۹۲).

محققانی که نظریه تدریجی بودن حرمت ربا را طرح کرده‌اند، در جزئیات مسئله با هم اختلاف دارند؛ به‌طوری‌که بعضی از آنان مراحل تشریح را ۳ مرحله، برخی ۴ مرحله، و برخی ۵ مرحله، می‌دانند، لکن همه آنان بر این باورند که تحریم ربا همانند تحریم شراب‌خواری که گفته می‌شود تدریجی بوده است، ابتدا به‌صورت موعظه و نصیحت بود، سپس به‌صورت تحریم جزئی و سرانجام به شکل قطعی و کلی بود.

در مقابل، گروهی از نویسندگان معتقدند که اسلام یک‌باره ربا را حرام کرده است. گروه نخست، برای تنظیم تاریخی آیات و کیفیت تفسیر آن‌ها بسیار کوشیده‌اند و سیر تدریجی معناداری برای تحریم ربا ارائه داده‌اند، اما شواهدی هست که خلاف نظر آنان را اثبات می‌کند. آنان درباره معنای بعضی آیات ربا، سخنانی گفته‌اند که تا قرن حاضر، هیچ مفسری حتی احتمال آن‌ها را هم نداده است.

از جمله چیزهای که تدریجی بودن تحریم ربا را نفی می‌کند، روایتی است که در کتاب کافی آمده است. سماعه می‌گوید: «قلت لأبي عبد الله: إني رأيت الله تعالى قد ذكر الربا في غير آية و كرّره فقال: أدرى لم ذاك؟ قلت: لا قال: لنلا يمتنع الناس من اصطناع المعروف» (الكافي، ج ۵، ص ۱۴۶)؛ به امام صادق<sup>(ع)</sup> گفتم: خداوند مسئله ربا را در چندین آیه آورده و تکرار کرده است. امام فرمود: آیا دلیل آن را نمی‌دانی؟ گفتم: نه، فرمود: به این دلیل است که مردم کارهای نیک (مانند قرض الحسنه) را ترک نکنند. از آیات ربا نیز چنین برمی‌آید که برخی از مسلمانان پس از



تحریم ربا در آیه سوره آل عمران، بازهم آن را کنار نگذاشته و اقدام به رباخواری کردند. از این رو، خداوند با فرستادن آیات سوره بقره و بیان عاقبت رباخواران و عذاب‌های که در انتظار آن‌ها است، اراده فرمود که این عمل را از صحنه فعالیت اقتصادی مسلمانان حذف کند. بنابر این، مسئله تدریج تحریم ربا در در کار نبوده است.

### ۳. عوامل حرمت ربا

عوامل حرمت قرار ذیل اند:

#### ۳-۱. مبارزه با ظلم

ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی در اسلام، اصل اساسی و خدشه‌ناپذیر است. عدالت‌خواهی، جزء رسالت تمام انبیاء الهی است. برقراری عدل مهم‌ترین هدف اقتصادی اسلام است. هر آنچه با عدالت ناسازگار باشد، با اسلام نیز ناسازگار است؛ یعنی عدالت معیاری است برای ارزیابی اسلامی بودن فعالیت‌های اقتصادی. رباخواری با این اصل در تضاد است. به همین جهت اسلام آن را حرام کرده است. قرض ربوی، استثمار انسان از انسان و تضییع حقوق افراد فقیر و بینوا توسط سرمایه‌داران و توانگران است. قرآن در سوره بقره، این مسئله را با صراحت بیان کرده است. آیات ۲۷۳ تا ۲۸۰ این شیوه با تشویق انفاق و کمک به بینوایان آغاز می‌شود.

بعد از بیان حرمت ربا و خصوصیات روحی رباخواران و ذکر آثار ربا در مقایسه با صدقات، مؤمنان را از رباخواری برحذر می‌دارد و آن‌ها را از عواقب و پیامد رباخواری که اعلان جنگ و مبارزه با خداوند و پیامبر است، خبر می‌دهد. در نهایت علت حرمت ربا را که همان ظلم و استثمار باشد، بیان می‌کند: «وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (بقره، ۲۷۹)؛ یعنی اگر از این عمل زشت (رباخواری) دست بردارید، اصل مال شما متعلق به خودتان است. در این صورت نه به واسطه گرفتن اضافه ظلم کرده‌اید و نه به دلیل نگرفتن اصل سرمایه، مورد ستم واقع شده‌اید؛ یعنی این آیه اشاره دارد که گرفتن اصل مال بدون زیادی حق شما است و اکثر تفاسیر نیز همین معنی استفاده می‌شود؛ مانند تفاسیر مجمع البیان، الصافی، منهج الصادقین، المیزان، نمونه و اغلب روی این معنی تأکید کرده‌اند.

### ۳-۲. ترویج کارهای نیک

اسلام در روابط فردی و اجتماعی به یک سری اصول اهمیت قابل توجهی می‌دهد: اصولی نظیر تراحم، تعاطف، همکاری همیاری، تأمین نیازمندان، همدردی، روابط انسانی و غیره. در این راستا، دستگیری از نیازمندان و بینوایان از مهم‌ترین تعالیم اسلام است. مکتب حیات‌بخش اسلام، جهت ترویج این اصول و گسترش کارهای نیک و انسانی، ربا را حرام کرده است. ایجاد قرض البسه و اهمیت دادن به آن یکی از این کارهاست. به‌طور کلی، انفاق، صدق، قرض الحسنه نقطه مقابل رباخواری است. این‌ها کارهای نیک‌خواهانه‌ای است که مانع رواج رباخواری و گسترش‌شان می‌شود.

روایات زیادی داریم که علت حرمت ربا را به همین مسئله منسوب می‌کند. در زیر بعضی از آن‌ها را به عنوان نمونه می‌آوریم:

سماعه از امام صادق<sup>(ع)</sup> سؤال می‌کند: «انی رایت الله قد ذکر الربا فی غیر آیه و کره، قال لئلاّ یمتنع الناس من اصطناع المعروف...» (الکافی، ج ۵، ص ۱)؛ سبب چیست که خداوند ربا را در چند آیه و به‌طور تکراری آورده است؟ امام فرمود: برای اینکه مردم مانع کارهای خیر و نیک‌خواهانه نشوند. در روایات دیگر از امام صادق<sup>(ع)</sup> آمده است: «انما حرم الله عزوجل الربا لکیلا یمتنع الناس من اصطناع المعروف» (تهذیب الأحکام، الجزء ۷، ص ۱۷)؛ خداوند ربا را به این جهت حرام کرده که مردم از کارهای خیرخواهانه امتناع نورزند.

امام رضا در رابطه با علت حرمت ربای نسیه می‌فرماید: «وعلة تحريم الربا بالنسيئة لعله ذهاب المعروف وتلف الاموال ورغبة الناس في الربح وتركهم القرض وصنایع المعروف ولما في ذلك من الفساد والظلم وفناء الاموال» (علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۸۳)؛ علت حرمت ربای نسیه، علاوه بر نابودی اموال، باعث از بین رفتن کارهای نیک و خیرخواهانه می‌شود. در این وضعیت، روابط سودجویانه و منفعت‌طلبانه، باعث ترک قرض الحسنه می‌گردد؛ و در نهایت به نابودی اموال و روابط ظالمانه انجامد.

بنابراین، گرفتن ربا آن‌هم از کسانی که برای تأمین حداقل معیشت دچار مشکل‌اند و در تنگنای شدید اقتصادی قرار دارند، به عواطف و روابط انسانی ضربه می‌زند و بنابراین پیامدهای ناخوشایند روانی و اجتماعی را به دنبال خواهد داشت. در مقابل، قرض الحسنه و انفاق در تحکیم روابط

انسانی و توسعه همیاری و همکاری کمک می‌کند و روح برادری و ایثار را رشد می‌دهد. اسلام قرض الحسنه را که در جهت اصطناع معروف است، واجب نکرده ولی به عنوان یک عمل نیک و خداپسندانه که دارای اثرات و پیامدهای اجتماعی مثبت است، مورد تأکید قرار داده است. در آیات و روایات زیادی قرض الحسنه و پاداش معنوی اش سخن رفته است. در اینجا به دو مورد بسنده می‌کنیم. در آن آمده است:

«وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَ مَا تَقْدُمُوا لِنَفْسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا» (مزل، ۲۰)؛ نماز بگذارید و زکات بدهید و به خدا قرض الحسنه دهید و هر کار نیکی را که برای خود پیشاپیش بفرستید، پاداش آن بزرگ‌تر است. در روایتی آمده است: «من اقرض اخاه المسلم كان بدل درهم اقرضه وزن جبل احد من جبال رضوان و طور سیناء حسنات»؛ کسی که به برادر مسلمان قرض بدهد، هر درهم آن ثوابی به وزن کوهی از کوه‌های رضوان و طور سینا دارد (ثواب الاعمال و عقابها ص ۴۱۴).

اسلام، قرض الحسنه را واجب نکرده ولی زمینه گسترش و رشد آن را فراهم ساخته است. در حقیقت، سازوکاری را در احکام اقتصادی تعبیه کرده است که جامعه اسلامی به طور خودکار به سوی هدف مورد نظر هدایت شود. اسلام در کنار تشویق و ترغیب به پرداخت قرض الحسنه و اعلان پاداش‌های عظیم معنوی برای آن، قرض ربوی و کنز را حرام کرده است؛ و با وجود زکات و خمس بر پس‌اندازهای غیرفعال پولی، از ذخیره‌سازی نیز جلوگیری نموده است. این بستری برای انجام و گسترش فعالیت‌های نیک و انسانی و در جهت همبستگی بیشتر جامعه است.

آنچه گفته شد در رابطه با وام‌های ضروری بود. وام‌های که به نیازمندان برای تأمین احتیاجات اساسی چون غذا، پوشاک و مسکن پرداخت می‌شود؛ اما در قرض‌های غیرضروری وام به منظور راه‌اندازی بنگاه تولیدی و تجاری و یا برای توسعه و گسترش فعالیت‌های اقتصادی پرداخت می‌شود. در این موقعیت دریافت‌کننده وام ممکن است بخواهد با استفاده از صرفه‌جویی‌های اقتصادی رقت‌بار خود را از صنعت خارج کند و شاید انحصار، به وجود آورد. در چنین شرایطی آیا عاقلانه و عادلانه نخواهد بود که چیزی از سرمایه‌دار دریافت شود؟ آیا دریافت مازاد از توانگران و سرمایه‌داران موجب اشاعه معروف می‌شود یا نگرفتن آن؟ آیا فتوا در حرمت زیاده‌ستانی از این دسته افراد در جهت تشدید اختلاف طبقاتی و گسترش نابرابری نخواهد بود؟ (نجفی، ۱۳۶۵، ۳۲).

پاسخ احتمالی این است که (با فرض حرمت ربا در وام‌های غیر ضروری) وام‌های تولیدی، حریم وام‌های ضروری است، حرمت آن به منظور ترویج قرض الحسنه و افزایش وام‌های ضروری می‌باشد. اگر گرفتن ربا از وام‌های غیر ضروری حرام نباشد، مردم از دادن قرض‌های ضروری منصرف خواهد شد. در مقابل، به پرداخت قرض‌های غیر ضروری روی خواهند آورد. چون وام‌های غیر ضروری درآمد دارد بنابراین، قرض منفعت‌دار ترجیح داده می‌شود. بدین ترتیب، جلوی وام‌های نیک خواهانه گرفته می‌شود و با نیازمندان و بینوایان همکاری نمی‌گردد. این می‌تواند با ترویج فعالیت‌های انسانی در تضاد باشد.

### ۳-۳. جلوگیری از رکود

وضعیتی را رکود می‌گویند که تقاضا و فعالیت‌های اقتصادی به شدت کاهش یابد، تعداد قابل توجهی از نیروی کار جامعه بیکار شوند، تولیدات تنزل پیدا کند، سرمایه‌گذاری متوقف شود، معاملات و مبادلات کم شود، بنگاه‌های ضعیف و کم‌تجربه ورشکسته شوند و قدرت خرید مردم در سطح قابل توجهی کاهش یابد. سیاست‌های انقباضی پولی (کاهش حجم پول در گردش) و مالی (افزایش مالیات و کاهش در مخارج دولت) و عدم تمایل مردم به سرمایه‌گذاری‌های تولیدی، از عوامل ایجاد رکود اقتصادی است و در روایات از جمله علل و عوامل حرمت ربا، فساد و نابودی اموال، کاهش فعالیت‌های تجاری و ایجاد رکود اقتصادی شمرده شده است و اینکه رواج رباخواری معاملات و مبادلات اقتصادی را کاهش می‌دهد. امام رضا می‌فرماید: «علة تحریم الربا، انما نهی الله عزوجل عنه لما فيه من فساد الاموال... و علة تحریم الربا لنسینة... تلف الاموال و رغبة الناس فی الربح» (شیخ صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۹۳)؛ خداوند به این دلیل ربا را حرام کرد که این کار موجب فساد اموال می‌شود. در رابطه با علت حرمت ربای نسیه می‌فرماید: ربا به نابودی مال منتهی می‌شود و فعالیت‌های سودجویانه را گسترش می‌دهد.

هشام از امام صادق<sup>(ع)</sup> در رابطه با علت حرمت ربا سؤال کرد، امام فرمود: «انه لو كان الربا حلالا لترك الناس التجارات وما يحتاجون اليه، فحرم الله الربا، لتفر الناس عن الحرام الى التجارات، و الى البيع و الشراء» (وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۲۴)؛ خداوند ربا را به این جهت حرام کرد که مردم به کارهای تجاری و مفید روی آورند و اگر ربا حلال می‌بود مردم فعالیت‌های مفید و اقتصادی را ترک می‌کردند.

رباخواری باعث می‌شود، طلب‌کار بدون انجام فعالیت اقتصادی مفیدی از درآمد بالایی برخوردار شود و این عمل به اقتصاد جامعه لطمه می‌زند؛ زیرا عده‌ای از افراد بدون استفاده از استعداد و نیروی خود و بدون هیچ نیازی به کار کردن با پولی که از راه ربا به دست می‌آورند، از امکانات و تولیدات جامعه استفاده می‌کنند؛ یعنی ربا بستری می‌شود برای رشد تن‌پروری، کندی تجارت، پدیداری رکود اقتصادی. علاوه بر این، در اقتصاد ربوی به موازات افزایش درآمد رباخواران و تمرکز ثروت سرمایه‌داران، وضع اقتصادی بدهکاران هر روز بدتر می‌شود و تلاش آن‌ها در جهت بهبود شرایط زندگی و حتی حفظ وضع موجود، بی‌نتیجه می‌ماند و روز به روز درآمدشان کاهش می‌یابد. در یک جامعه معیشتی که افراد بی‌بضاعت و فقیر، تنها را می‌توانند برای افراد تحت تکفل خود فراهم کنند، پرداخت بخشی از در «حداقل معیشت» آمد آن‌ها به عنوان بهره زندگی‌شان را دچار اختلال خواهد کرد و مصرفشان را به پایین‌ترین حد ممکن خواهد رساند و کمبود قدرت خرید در جامعه باعث رکود اقتصادی می‌شود.

پس ربا بیکاری را میان طبقات مرفه سرمایه‌دار گسترش و تقاضا و مصرف را میان گروه‌های پائین جامعه کاهش می‌دهد. پیامد طبیعی این وضعیت رکود اقتصادی است (طباطبایی، ۱۳۷۵، ۶۴۳). همان اندازه که قرض‌الحسنه روابط عاطفی را در جامعه رشد می‌دهد و زمینه را برای همکاری‌ها و همیاری‌های متقابل فراهم می‌کند. رباخواری به دشمنی، کینه و حس انتقام‌جویی دامن می‌زند. فقر و فلاکتی که از رباخواری ناشی می‌شود، تبدیل به عقده شده و در هر فرصتی مشتعل می‌گردد. بسیاری از اغتشاش‌ها و ناآرامی‌های اجتماعی، ریشه در اختلافات طبقاتی و اجحاف توان‌فرسای سرمایه‌داران دارد.

بدین ترتیب، می‌توان گفت بسیاری از هرج و مرج‌های اجتماعی، ریشه در زمینه‌های اقتصادی ربایی جاهلی دارد. نه تنها دور نمای آینده اقتصاد را تیره و ناپیدا می‌سازد بلکه تمایل مردم به سرمایه‌گذاری تولیدی و مفید را کاهش می‌دهد. در نهایت، اقتصاد با رکود، مواجه می‌گردد. بنابراین، ربا، از طریق هرج و مرج اجتماعی، به فناء اموال منجر شده و به رکود می‌انجامد.

برای جامعه صدر اسلام به نظر می‌رسد که این تحلیل چندان دور از واقعیت نیست. هرچند کاهش درآمد و مصرف توده‌های مردم، در آن زمان نمی‌توانست به رکود به معنای امروزی منجر شود، زیرا در آن روزگار تولید انبوه وجود نداشت تا در صورت کاهش قدرت خرید، اقتصاد با

رکود مواجه شود، ولی کاهش در فعالیت‌های اقتصادی افراد مجرب جامعه و هدایت سرمایه‌ها به کارهای غیراقتصادی چون وام‌های ربوی، می‌توانست تجارت را کاهش دهد (چرخابی، ۱۳۸۸، ۳۲).

#### ۴. ضررهای ربا

اسلام ربا را از بزرگترین منکرات و جرائم اجتماعی و دینی به حساب آورده است و به رباخواران اعلان جنگ می‌دهد: «إِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ». این امر، به خاطر ضررهای زیاد و سنگین و زشتی‌های ناشی از آن است که می‌توان بعضی از ضررهای ربا را در موارد زیر خلاصه کرد:

#### ۴-۱. ضرر اخلاقی

این موضوع را اول از نگاه اخلاقی و روحی بررسی می‌کنیم؛ زیرا اخلاق روح و جوهر انسان و اساس همه کارهای اوست و هر چیزی که برای این جوهر مضر ثابت شود، سزاوار است از اساس رد گردد و اهلیت این را ندارد که با وجود منافع اندک آن را بپذیریم. پس اگر رباخواری و دادوستد سود را تجزیه و تحلیل نمائیم، معلوم می‌شود که ربا در تمام مراحل حیات اقتصادی از نگاه روحی نتیجه بخل، امتیازطلبی، تنگ‌نظری، سنگ‌دلی، بندگی مال و مادیات و دیگر صفات رذیله است و یک انسان هراندازه‌ای که در جهت گرفت سود پیش برود به همان اندازه این اوصاف در وجود وی راسخ‌تر و ثابت‌تر می‌گردد. برعکس، وقتی که ما در امور مالی که بر اساس زکات و صدقات استوار است نظر اندازیم، همه اعمال ذهنی انسان از وقتی که او نیت زکات و صدقات را نموده آراسته به کرم، سخاوت، فداکاری، مواسات، صبر و حوصله، فراخی صدر، بلندی همت و دیگر صفات شریفه و فضیلت است و تا وقتی که انسان در زندگی‌اش این راه را بپیماید اوصاف مذکور در وجود وی عمیق‌تر و اصیل‌تر شده می‌رود (مودودی، ۱۳۸۷، ۵۴).

#### ۴-۲. ضرر روانی

ربا عشق به استبداد و خودخواهی را در انسان ایجاد می‌کند چنان‌که انسان، جز خود، کسی را نمی‌شناسد و جز مصلحت و نفع شخصی، چیز دیگری برای او مهم نیست و بدین طریق، روح ایثار و فداکاری و مفاهیم عشق و خیر در حق افراد و جامعه از بین رفته، به جای آن، خودخواهی

و خودپرستی و خودمحوری می‌نشیند و روابط برادرانه در میان فرد و برادران (حقیقی یا دینی) متلاشی و از هم پاشیده می‌شود و فرد رباخوار، حالت یک حیوان وحشی شکارچی را پیدا می‌کند که در زندگی، فقط جمع کردن مال و مکیدن خون مردم و گرفتن دارائی‌های آن‌ها و ربودن آن از جنگشان برایش مهم است و بدین ترتیب، مفاهیم خیر و بزرگواری در درون انسان‌ها از میان رفته، جای خود را به حرص و طمع می‌دهد (صابونی ۱۳۵۸، ۲۳۴).

#### ۳-۴. ضرر اجتماعی

ربا سبب ایجاد دشمنی و تنفر در میان افراد جامعه و گسیخته شدن روابط انسانی و اجتماعی در میان طبقات مردم شده، مظاهر و شفقت، مهربانی، تعاون و احسان را درون انسان‌ها از بین برده، تخم حسد و انزجار را در قلب افراد می‌کارد و پایه‌های محبت و برادری را ویران و خراب می‌نماید. بدون تردید اگر در قلب کسی شفقت و مهربانی سکنی نگزیند و فرد، مفهوم و معنای برای اخوت و برادری انسانی نشناسد، به‌زودی احترام و عطف از جانب افراد جامعه را هم از دست می‌دهد و مردم به دیده حقارت و پستی به وی نگاه می‌کنند. برای ناهنجار بودن و خوار بودن رباخوار، همین بس که او دشمن جامعه و هم‌وطن خویش و بلکه دشمن انسانیت است، زیرا او (خون) افراد بشر را از طریق سوءاستفاده از نیازها و ضرورت‌های آن‌ها می‌مکد.

#### ۴-۴. ضرر اقتصادی

این ضرر بسیار روشن است، زیرا مردم را به دو طبقه تقسیم می‌کند: طبقه مرفه که در رفاه و نعمت و با بهره‌گیری از حاصل عرق پیشانی دیگران زندگی می‌کند و طبقه محروم و نیازمند و درمانده و بی‌چیز و بدین‌وسیله، میان این دو طبقه مبارزه در می‌گیرد. ثابت هم شده که ربا از بزرگ‌ترین عوامل انباشت ثروت‌ها در دست عده‌ای اندک از افراد و سبب بلای وارد آمده بر ملت‌ها و گروه‌ها است و محنت‌ها و آشوب‌ها و انقلاب‌های داخلی تا حد زیادی ریشه در مشکلات اقتصادی دارد.

#### جمع‌بندی

نتایجی که در این تحقیق به دست آمده‌اند می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

۱. با توجه به مباحث مطرح‌شده در این تحقیق می‌شود این‌گونه جمع‌بندی کرد که در مورد تحریم ربا دو نظریه مطرح است. نظریه اول این است که ربا به‌صورت تدریجی و مرحله‌ای تحریم



شده است، اما نظریه دوم این است که اسلام ربا را به یک‌بارگی تحریم کرده است.

۳. در مورد مراحل و گام‌های تحریم ربا میان طرفداران این نظریه اجماع وجود ندارد؛ برخی سه مرحله مطرح می‌کنند. طبق این دیدگاه تحریم ربا سه مرحله داشته است که به قرار ذیل است: مرحله اول کراهیت، مرحله دوم تحریم تلویحی و مرحله سوم تصریح به حرمت است. در گام اول جنبه‌ای کراهت برجسته می‌شود، در گام دوم به صورت تلویحی و غیر مستقیم تحریم می‌شود و در گام سوم تصریح می‌گردد که ربا حرام است.

۴. طبق دیدگاه دیگر ربا در چهار مرحله تحریم شده است:

اول ابراز تنفر و انزجار، دوم تحریم تلویحی، سوم تحریم به صورت جزئی؛ یعنی تحریم ربای فاحش و چهارم تحریم به صورت کلی و قطعی.

در بحث عوامل و علل حرمت ربا به علل زیر اشاره شد:

مبارزه با ظلم، ترویج کارهای نیک، جلوگیری از رکود، ضرر اخلاقی، روانی، اجتماعی و اقتصادی. در زندگی و مناسبات اجتماعی ربا درست در مقابل انفاق قرار می‌گیرد. انفاق سبب تطهیر دل و پاکی نفس می‌شود، محبت و صمیمیت را بین مردم بیشتر می‌کند و سبب نزدیکی مردم به همدیگر می‌گردد. اما رباخواری سبب محرومیت و تنگ‌دستی اکثریت و تراکم ثروت در دست تعداد قلیلی از جمعیت می‌شود. از این رهگذر در فرهنگ اسلامی، بین انفاق و ربا رابطه تضاد وجود دارد. ربا یکی از مواردی است که خداوند با لحن شدید در مورد آن سخن گفته است. لحن قرآن کریم در مورد قمار، شراب، زنا، کشتن و ظلم نرم‌تر و ملایم‌تر از ربا است.

جهت مبارزه با رباخواری در هر دو فرقه تقریباً نظرات یکسانی وجود دارد و آن این که در قدم اول، دوم و سوم رباخوار باید تأدیب گردد و اگر بازهم اصلاح نشد و بر رباخواری ادامه داد، باید اعدام شود.

### پیشنهادهای تحقیق

متأسفانه در جامعه افغانستان بی‌کاری و فقر رو به افزایش است. در چنین وضعیتی مردم برای سرمایه‌گذاری‌های کوچک و یا برپایی برخی محفل‌های اجتماعی که خود خلاف ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی است از افراد پولدار و بانک‌های خصوصی پول به گونه ربوی دریافت می‌کنند.



متأسفانه وضعیت به گونه شده است که ثواب دنیوی و اخروی قرض الحسنه و دعوت دین اسلام به همکاری و همیاری برادر مؤمن و مسلمان در مواقع مشکلات در میان مردم مطرح نیست و کمتر کسی پیدا می‌شود که به کسی دیگر پول به شکل قرض الحسنه بدهد. در این صورت مردم مجبورند جهت برگزاری مراسم پرهزینه عروسی و پر کردن جیب پرشدنی خانواده دختر و خرید طلای گران‌بهای عروس، اطعام جمعیت عظیم از اقوام در هنگام فوت یکی از بستگان، ساخت خانه و سرپناه، سرمایه‌گذاری کوچک جهت ایجاد زمینه کار برای خود و بسا موارد دیگر، پول به گونه ربا بگیرند.

بانک‌های خصوصی نیز پول به گونه ربا به مردم می‌دهد، اما نامش را قرضه می‌گذارد و افراد ثروتمند به افراد نیازمند قرض الحسنه نه بلکه سود می‌دهند، اما دولت در این زمینه کدام سیاست و بعد برنامه مشخصی ندارد. بنابراین راهکارهای که جهت محو این پدید خطرناک ضد دینی و اجتماعی در هم جوامع اسلامی به خصوص جامعه فقیر و بی‌کار افغانستان مطرح می‌گردد موارد ذیل است:

۱. کاهش بی‌کاری و فقر
۲. مبارزه با خرافات اجتماعی که هزینه‌های کمرشکن را بر مردم تحمیل می‌کند.
۳. ترویج و تبلیغ اصل همکاری و همیاری دوبرادر مسلمان و مؤمن و فواید و ثواب قرض الحسنه در دنیا و آخرت
۴. تدوین پالیسی و بعد پلان مشخص که ربا را حرام اعلان کرده و به رباخوار موارد تأدیبی تعریف کرده باشد.

## منابع و مآخذ

۱. ابن عربی، محمد بن عبدالله، بی‌تا. احکام القرآن، بی‌جا.
۲. ابن کثیر، بی‌تا. البدایة و النهایة، بی‌جا.
۳. ابن منظور، ۱۳۶۰. لسان العرب، بیروت: نشر دارالاحیاء التراث العربی.
۴. ابن هشام، بی‌تا. السیرت النبویه، بی‌جا.
۵. ابوحنیفه، نعمان بن محمد، بی‌تا. دعايم السلام، بی‌جا.
۶. اصفهانی، راغب، محمد حسین، ۱۳۶۱. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، قم: نشر موسسه البعثة.
۷. انصاری، محمد بن احمد قرطبی، ۱۳۵۵. الجامع لاحکام القرآن، تهران: نشر ناصر خسرو.
۸. انصاری، محمد بن احمد قرطبی، ۱۳۵۵. الجامع لاحکام القرآن، تهران: نشر ناصر خسرو.
۹. البشر، عبدالله، بی‌تا. تفسیر قرآن کریم، بی‌جا.
۱۰. بلاغی، محمدجواد، ۱۳۷۰. آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن.
۱۱. چرخابی، حسین، ۱۳۸۸، بررسی آیات ربا و احکام آن، دوفصلنامه علمی تخصصی مطالعات اقتصاد اسلامی، سال ۲، شماره ۸.
۱۲. خاوری، جواد، ۱۳۹۰. پیشینه تاریخی ربا، مجله بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: سال سوم، شماره ۱.
۱۳. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۵. لغتنامه دهخدا، تهران: نشر سمت.
۱۴. رازی، فخرالدین، ۱۳۷۰. مفاتیح الغیب، بیروت: نشر داراحیاء التراث العربی.
۱۵. الزرقانی، محمد عبد العظیم، بی‌تا. مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت: نشر داراحیاء التراث العربی.
۱۶. الزرقانی، محمد عبد العظیم، بی‌تا. مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت: نشر داراحیاء التراث العربی.
۱۷. سید قطب، ۱۳۹۱. فی ظلال القرآن، بیروت: نشر دارالاحیاء التراث العربی.

۱۸. شاکر، سید حبیب، ۱۳۹۳. معاملات در فقه اسلامی وقانون مدنی افغانستان، کابل: نشر رسالت.
۱۹. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا<sup>(ع)</sup>، ۱۳۷۸. ج ۲، ص ۹۳، تهران: نشر جهان.
۲۰. شیرازی مکارم، آیت الله ناصر، ۱۳۶۵. تفسیر نمونه، تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه.
۲۱. صابونی، محمد علی، ۱۳۷۵. تفسیر آیات الاحکام، قم: نشر قومس.
۲۲. طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۳۷۵. المیزان فی تفسیر القرآن، قم: نشر موسسه اسلامی.
۲۳. طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲. جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: نشر دارالمعرفه.
۲۴. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۴. ربا، بانک و بیمه، تهران: نشر صدرا.
۲۵. معین، محمد، ۱۳۸۵. فرهنگ فارسی، تهران: نشر امیرکبیر.
۲۶. مودودی، ابوالعلی، ۱۳۸۷. سود از نظر اسلام و اقتصاد، مترجم: پوهاند نعمت الله شهرانی، بلخ: نشر مطبع بلخ.
۲۷. نجفی، محمد حسن، ۱۳۸۵. جواهر الکلام، بیروت: نشر دارالاحیاء التراث العربی.